

آلفونس دو لامارتین

بقلم آقای ذبیح الله صفا

۲

در ضمن سفر مشرق لامارتین در شهر «برک» از بلاد شمالی فرانسه بوکالت مجلس انتخاب و در دسامبر ۱۸۳۳ در پارلمان فرانسه داخل شد.

لامارتین در مجلس خود را در فوق احزاب فرار داد و فکر مستقل خویش را تابع افکار فرق مختلف نمود و بانطق های آتشین شاعرانه و در عین حال سائسانه‌ای که از ۱۸۳۳ تا ۱۸۳۹ کرد خود را در شمار بزرگترین رجال مشهور سیاست در آورد و دیده ملت را بجانب خویش معطوف ساخت. در عین حال لامارتین از کارهای ادبی خود بازنشست و بنشر آثار متعددی مانند «ژوسلن» (۱۸۳۶) و «سقوط بک فرشته» و «منتخبیات ادبی» که جزء آثار بسیار مهم ادبی فرانسه است پرداخت و این امر خود باعث حیرت فرانسویان است که چگونه لامارتین در همان حال که بشدت در امور سیاسی متغمر بود با ایجاد چنین آثار مهمی در عالم شاعری قادر گردیده است. ولی از این پس تا ده سال لامارتین دم از شاعری فرو بست و دفتر و دیوان را بکناری نهاد زیرا اوضاع سیاسی فرانسه در این ایام بشدت پیچیده و درهم بود و لامارتین که از بزرگان و پیشروان سیاسیون عصر بود بهیچ روی نمی توانست از معرکه بر کنار بماند. لامارتین در این ایام باسیاست «تیرس» و «گیزو» که از وزرای «لوئی فیلیپ» پادشاه فرانسه‌اند و با افکار «دموکراسی» مخالفت هائی شدید می کردند بسختی جنگید و نطق های مهیجی کرد. در ۱۸۴۶ وزیر مزبور در مجلس قدرت یافتند و لامارتین که خود را در مجلس ضعیف یافت از این پس مستقیماً در میان ملت بمخالفت خود ادامه داد و در سال ۱۸۴۷ «تاریخ زبیرندها» را منتشر ساخت. این کتاب اگرچه تا حدی در تحت تاثیر تخیلات نویسنده قرار گرفته ولی از نظر فصاحت در عداد مهمترین آثار فصحای فرانسوی است.

چون انقلاب سال ۱۸۴۸ یکباره بسلطنت خاندان بوربن خاتمه بخشید و زمام حکومت بدست جمهوری طلبان افتاد لامارتین بعضویت «حکومت موقتی» که می بایست بهیئة قانون اساسی بردارد و شالوده حکومت جدید فرانسه را بریزد انتخاب گردید (۲۴ فوریه ۱۸۴۸) و در آن سمت وزارت خارجه یافت. لامارتین در میان اعضاء حکومت موقتی شامخترین مقامات را احراز کرد و در میان ملت نفوذ و قدرت فراوان یافت و چند ماهی رئیس و پیشوای واقعی فرانسه و قائل مختار عهد گردید. از نطق های مهم لامارتین در این عهد نطقی است که در ۲۵ فوریه در مقابل و بر ضد بیرق سرخ و

۱ - Bergues. ۲ - Jocelyn. ۳ - La chute d'un ange.

۴ - Les Recueils poétiques. ۵ - Thiers. ۶ - Guizot.

۷ - Histoire des Girondins.

سوسیالیست‌ها کرد و این نطق هنوز زیانزد فرانسویان است، ولی این قدرت و نفوذ دولت مستعجل بود و دیر نیاید چه در مقابل لامارتین رقیب بزرگی پدید آمد که سابقه و نفوذ خاندانش برای فتح او بهترین و کافی ترین حربه‌ها بود و این مرد «لوئی ناپلئون» معروف بناپلئون سوم برادر زاده «ناپلئون بناپارت» امپراطور محبوب فرانسه است. چون حکومت موقتی برای انتخاب رئیس جمهور مردم را بدادن رأی خواند لامارتین و ناپلئون سوم از نامزدان مهم این مقام بودند ولی چنانکه گفتیم ناپلئون بیاری نفوذیکه عمش در قوب فرانسویان داشت بر رقیب مشهور خویش فائق آمد تا بدان حد که آراء لامارتین در مقابل آراء ناپلئون سوم بسیار کم و حتی موهن بود و از این روی سیاست وی بسختی دچار شکست و اضمحلال گردید چنانکه در اخذ آراء مه ۱۸۴۹ برای تشکیل پارلمان، لامارتین که چندی قبل در زمان تشکیل مجلس مؤسسان از ده ولایت انتخاب شده بود، حتی در شهری نیز انتخاب نشده. این شکست شدیدترین و سخت‌ترین حوادثی است که در ایام حیات او بوی روی آورد.

لامارتین از این پس بیست سال زندگی کرد ولی این زندگی بیست ساله درسختی و تاختگامی و پریشانی گذشت و این شاعر حساس که ساز روحش حتی از نسیم بامدادی بارتعاش درمیآمد در قبال آنکه ایام پیری را با آنهمه زحمت که در روزگار جوانی تحمل کرده بود، با آسایش و آسودگی بسر برد دچار محنتی شدید و شدائدی عظیم گشت. ولی او که عواطفی بدانحدشده داشت استقامت و تباتی بی نظیر را نیز دارا بود و می توانست شجاعانه آن تلخیها و ناکامیها را تحمل کند و حق ناشناسیهای مردمی را که دیرگاهی از آثار ادبی و خدمات سیاسی وی برخوردار بودند فراموش نماید.

لامارتین از این پس چون کسی که از عوائد قام زندگی کند ناچار شب و روز بکار تحریر پرداخت و شروع با انتشار برخی از آثار خود با شرح حالهایی از خویش کرد و سپس رمان‌های جالبی که تاثیر شدید و جنبه غم‌انگیز آنها مؤید افسردگی روح وی در این ایام است و هر يك از آنها شاهکاری جدید و مهم در میان آثار نثری فرانسه بشمار می آید، مانند: «اسرار» (۱۸۴۹-۱) و «گراز بلا» (۱۸۴۹) و «رافائل» (۱۸۴۹) و «اسرار جدید» (۱۸۵۱) و «زنوبو» (۱۸۵۱) و «سنگتراش سن یوان»^۶ منتشر ساخت.

اما این انتشارات و منافع که از آن بدست می آمد قادر بر رفع احتیاجات لامارتین نبود و ازین روی شاعر ناچار شد که بقول خود به «کارهای اجباری ادبی» شروع کند و در بک حال فورخ، زمان نویس، منقذ آثار ادبی و روزنامه نویس باشد تا مگر زندگی را همچنان بهزت بگذراند. از آثار مهم این دوره لامارتین «دوره معمولی ادبیات»^۷ است که بتدریج از ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۶ منتشر شد. این اشارات اگر چه تا حدی در رفع احتیاجات با لامارتین کمک می کرد ولی چنانکه باید او را از جنگ آن نجات نمی توانست داد تا بدان حد که در ۱۸۶۱ مجبور شد «میلی» عزیز

۱ - Les Confidences . ۲ - Graziella . ۳ - Raphaël .

۴ - Les Nouvelles Confidences . ۵ - Geneviève .

۶ - Le Tailleur de pierres de Saint-point .

۷ - Cours familial de littérature .

خود، پرورشگاه محبوب خویش، را که خواطر شیرین حیات او تنها در آن گذشته بود، بفروشد و این درد جانگزا را نیز در روز پیری و ضعف تحمل کند.

دو سال بعد محنتی شدیدتر و مصیبتی سخت تر بر شاعر پیر روی آورد زیرا آخرین بازمانده عشق جوانی یعنی همسر با وفای وی نیز دست از او برداشت و آن پیر شکسته را در رنج و محنت بگذاشت و رخ در حجاب تیره خاک کشید و در زیر خاک آرام و آسوده بخت . شاعر اگرچه ازین پس تنها و پریشان حال برجای ماند ولی پرستاری خواهرزاده او «والانتین دوسسیا» اندکی از شدت محنت او کاست و دل آسوده او را بکباره در بند نو میدی خسته و پریشان نگذاشت. در ۱۸۶۷ لامارتین ناگزیر شد که يك کروور ازدولت فرانسه بعنوان اعانه بپذیرد ولی دیگر خستگیها و ناگامیها و پیری و شکستگی نایافته شعر و ادب را از پای در آورده بود و او در يك خانه بیلاقی «یاسی» از یاریس دیده از بی خواب ابد فرو بست تا مگر آشوبهای حیات خویش را در ذل خاک سیه فرو نشاند و لحظهای از بیخردیها و بازیگریهای چرخ بازیگر آسوده بماند و والانتین با وفای خود را در حالی که دیدگان خالوی عزیز خویش را می بست بر کنار بستر مرگ از زحمت پرستاری خود آسوده گذارد. (۲۷ فوریه ۱۸۶۹) دولت فرانسه که همیشه نسبت بزرگان و نوابخ ملت خویش وفادار است برای شاعر بزرگ کم نظیر فرانسه تشبیم جنازه باشکوهی ترتیب داد و او را بنا بر وصیتش در «سن یوان» در جوار مادر وزن و دخترش بخاک سپردند .

لامارتین اگرچه وجودی حساس بود و عاطفه ای قوی داشت ولی در عین حال مرد عزم و ثبات و همت و شجاعت بود و اگر هنگامی در چنگ غم گرفتار می شد بزودی از بند او فانیج بیرون می آمد ، نو میدیهای وی دیر نمی یابید و بزودی از زیر بار آن آزاد می شد و بانیر و نوبی شدیدتر از پیش بکار می پرداخت چنانکه گفتمی غم او را قویتر و نیرومندتر میسازد . لامارتین دلی قوی و روحی هنگامه جو داشت ، از خطر نمی ترسید و بلکه با شوقی تمام بدان روی می آورد ، از مخالفت های نویسندگان و مخصوصا روزنامه نگاران زمان که چه از راه سیاست و چه از راه ادب با بداء وی بر میخواستند او را با «کاریکاتور» های مختلف و زننده آزار می کردند دلسرد و مضطرب نمیشد و از معرکه بیرون نمیرفت ، از یکطرف در بند عواطف ذلیل ولی از طرف دیگر در یمنه حیات مردی جسور و بیباک و پهلووان بود، مردی نبود که محیط او را محیط خویش کند بلکه او محیط و مردم را رام خود کرده اما باید دانست که این نیروی روحی مانع آن نبود که لطف و مهر و عشق در جان لامارتین ریشه دواند زیرا تربیت او در زیر دست مادری مهربان و باخواهرانی که چون فرشتگان محبت بر گرد او مجتهد بودند و در محیطی ساده و دور از دوروییها و مدهائات، بود.

لامارتین در خردی کودکی مهربان و بر لطف و در بزرگی مردی نیرومند و شجاع و خیر بود و هیچگاه از نیکی و نیکوکاری و صرف مال در بهبودی احوال بیچارگان و زیردستان باز نمی نشست ، رحم و مروت در وی همچنان وجود داشت که جوانمردی و فراموش کردن بدیهای بدان

لامارتین اگرچه گاه دچار بدبینی می شد ولی بهر حال این حالت در او دیر نمی پایید و او اغلب جهان و غایت خلقت را نیک می دید چنانکه در خواندن اغلب آثار او ، خواننده گمان میکند که در جهان زشتی و بدی وجود ندارد و هرچه هست حسن و خیر است . لامارتین این حس جمال و خیر را بر تمام احوال خود شامل ساخت و لغات آن را در جمله جلوات طبیعت دید و بقول «فاک» یکی از نویسندگان فرانسه «این لباس نورانی را برهرچه که در دسترس او در آمد یعنی بر طبیعت، تاریخ، سیاست ، احساسات شخصی ، عشقهای خود که با جذبات شوق همراه بود ، غمهای خویش که چیزی جز تخیلات فرشتگانی که از مقامشان دور افتاده باشند نیست ، و رنجهای خود که هیچگاه بناله منجر نشده و بلکه همیشه به آههای موزون و زمزمه های جانپور و مبدل گردیده است : پوشانید .» لامارتین تنها مردی خیال پرست نیست بلکه صاحب هوشی قوی و احساسی نیرومند است که کمتر دچار خطا می شود . درسیاست بهترین نمونه مردان بزرگ عصر خود بود و آثار نطقهای سیاسی که از او مانده بهترین گواه و شاهد صادق این مدعا و قویترین نشانه روح سیاسی عهد است ، آرام فلسفی و عرفانی او که در بیشتر از آثارش و مخصوصا در منظومه «مرک سقراط» و در برخی از سطور «رافائل» هویداست نماینده فکر عالی و عاقله قوی اوست . بهر حال هوش و استعداد او نیز مانند روح وی در فوق استعدادهای معمولی قرار داشت و او را از معاصرانش بخوبی متمایز می ساخت . در مذهب قائل بوحث وجود و در فلسفه طرفدار مکتب روحانی بود .

اما بیان مقام شاعری لامارتین «یک دهن خواهد بیهنای فلک» چه آثار او هر يك عالمی است و در آن عالم ستارگانی درخشنده متلالی اند که اطلاع بر رموز و دقائق هر يك از آنها را روحی چون روح لامارتین قوی و نیرومند لازمست اما باختصار میگوئیم که :

لامارتین مانند برخی از شعرا با نویسندگان فقط نمی خواهد عالم خارجی را چنانکه هست مجسم کند و یا بمانند بلکه او از هر يك از جلوات حیات ، منظره های طبیعت ، زمزمه نسیم ، حرکت اوراق ، صدای بحار و عظمت جبال روحی و جانی را درمی یابد و حس میکند و آنگاه بشرح و بیان آن می پردازد ؛ خیالات عالی و متین و مالیخولیای لطیف و جانبخش او در آن هنگام تسکین مییابد و یا برانگیخته میشود که اشیاء از صورت مادیت خارج شود ، مناظر از خشکی ظاهری عاری گردد ، غوغا و همه مه سکون یابد و بهر حال محیطی آسمانی ایجاد شود .

اشعار او از زمره صنعت و هنر نیست بلکه آوازی است که از دلی سوخته و عاشق و شیدا برآید ، ندائی است که برانگیزاننده آن عاطفه محض و احساسات رقیب باشد . لامارتین وقتی بشعر دست می یازد که روح وی ازین عالم پست فراتر رفته و از حدود و قیود جهان مادی آزاد گردیده باشد و از همین رو است که وی بتمام حدود و قیود پیشینیان بدیده تحقیر نگرست و عواطف خود را در آن یرده تاریخ ملالت خیز نیبجوید . در شعر او از تکلف و تصنع اثری نیست زیرا تنها آواز لطیف روح است و چنان از دل برمی آید که نفس از تنگنای سپنه ؛ و لامارتین خود میگوید که : «ای دوستان من چنان سرود میخواندم که آدمیان نفس کنند» از همین جهت است که هموطنان وی گفته اند که لامارتین اشعر شعراي فرانسه و حتی ذات نفس شاعر است .